



پرونده شخصیت و پیشگیری از بزهکاری

تالیف:

عباس قرینی لایار

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: قرینی‌لابار، عباس، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: پرونده شخصیت و پیشگیری از بزهکاری / تألیف عباس قرینی‌لابار.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۶۵-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: جرم و جنایت -- پیشگیری
موضوع	: Crime prevention
موضوع	: شخصیت (حقوق)
موضوع	: (Personality (Law
موضوع	: بزهکاری، تحلیل
موضوع	: Crime analysis
رده بندی کنگره	: HV۷۴۳۱/۴ ق ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۴/۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۱۸۵۰۸

انتشارات قانونی یار

پرونده شخصیت و پیشگیری از بزهکاری

تألیف: عباس قرینی‌لابار

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-65-7

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول
۹	کلیات
۵۶	فصل دوم
۵۶	پیشگیری از بزهکاری جوانان
۷۲	فصل سوم
۷۲	پرونده شخصیت در پیشگیری از پایداری در بزهکاری
۹۶	فصل چهارم
۹۶	اصول پیشگیری از پایداری بزهکاری
۱۱۶	منابع
۱۱۸	کتاب
۱۲۳	مقاله

مقدمه

پیشگیری واکنشی یا کیفری از بزهکاری، در برگیرنده مجموعه تدابیر و اقدامهای نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم به منظور بازداشتن بزهکاران احتمالی و واقعی از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره اعمال می شود. تصمیم سازان سیاست جنایی معمولاً از سازوکارهای متعددی برای سرعت بخشی به فرآیند کیفری استفاده می کنند تا از اطاله دادرسی کیفری، نادیده انگاشتن حقوق کنشگران دعوای کیفری و کاهش کارکرد پیشگیرانه نظام عدالت کیفری جلوگیری شود. به باور بکاریا « سرعت در فرآیند کیفری »، به ویژه سرعت در اجرای کیفر باعث می شود که بزهکاران احتمالی و واقعی، نظام عدالت کیفری را نسبت به بزهکاری سختگیر تلقی کنند و در نتیجه بارگران کیفر و پیامدهای بزهکاری تا اندازه ای که امکان دارد برای دیگران محسوس باشد. زیرا هر چه زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ دهی دستگاه عدالت کیفری کوتاه تر باشد، ربط دادن برخورد نظام عدالت کیفری با بزه واقع شده در ذهن شهروندان سریعتر انجام می پذیرد و سبب می شود که آنان فوراً یکی را علت و دیگری را معلول به شمار آورند».

بدین سان، از نظر او محاکمه سریع بزهکاران و سرعت بخشی به اجرای کیفر بر آنان، نقش بسزایی در کاهش میزان بزهکاری ایفا می کند. بدین ترتیب، تسریع در فرآیند کیفری بزهکاران احتمالی و واقعی را با نظام عدالت کیفری سریع و قاطع نسبت به بزهکاری آشنا می کند؛ به گونه ای که این نظام با کشف بزهکاری در کوتاهترین زمان با مرتکبان رفتار مجرمانه برخورد می کند. سیاست گذاران جنایی بین المللی و ملی سرعت بخشی به فرآیند کیفری را در پرتو شماری از اسناد و مقررات به رسمیت شناخته اند، اما این سازوکار بیشتر از منظر حقوق بشر یا سیاست جنایی بزه دیده مدار مورد توجه آنان بوده است. به دیگر سخن، تصمیم گیرندگان سیاست جنایی بین المللی و ملی تسریع در فرآیند کیفری را به منزله یکی از جلوه های حمایت از «حقوق کنشگران دعوای کیفری» و از مصداقهای حقوق بشر پیش بینی کرده اند، در حالی که تدبیر آنان از زوایه پیشگیری از بزهکاری نیز قابل توجه است. بنابراین،



سرعت بخشی به فرآیند کیفری اگرچه از زوایه حقوق بشر و سیاست جنایی بزه دیده مدار، موجبات عادلانه شدن دادرسی را فراهم می کند، ولی از منظر آموزه های پیشگیری واکنشی، سازوکار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می رود. بدین سان، سرعت بخشی به فرآیند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوای کیفری، سرعت متناسب و توجه به موازین حقوق بشر، می تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری پیشگیرانه را پدید آورد.

در این کتاب به دنبال بررسی و نقش پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری هستیم. بدین منظور ابتدا به بررسی چستی پرونده شخصیت می پردازیم و سپس تاثیر پرونده شخصیت در پیشگیری از پایداری شدن بزهکاری مورد بررسی قرار می دهیم.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: مفاهیم و معانی

گفتار اول: معنا و مفهوم شخصیت

در مفهوم لغوی: لغت شخصیت که در زبان لاتین (Personality) و در زبان آنگلو ساکسون (Personality) خوانده می شود، ریشه در کلمه لاتین (Persona) دارد. این کلمه به نقاب یا ماسکی گفته می شود که بازیگران تئاتر در یونان قدیم به صورت خود می زدند. به مرور معنای آن گسترده تر شد و نقشی را نیز که بازیگر ادا می کرد، در بر گرفت. بنابراین، مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری صوری و اجتماعی است و بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می کند، ترسیم می شود. یعنی در واقع، فرد به اجتماع خود شخصیتی ارائه می دهد که جامعه بر اساس آن، او را ارزیابی می نماید. شخصیت در یک معنای کلی، یعنی جنبه های بی همتا و نسبتاً پایدار درونی و بیرونی منش فرد، که در موقعیت های مختلف بر رفتار وی تاثیر می گذارند.^۱

مرحوم دهخدا معنای لغوی شخصیت را چنین توضیح داده است: شرافت و رفعت و بزرگواری و مرتبه و درجه.^۲

در مفهوم اصطلاحی: در اصطلاح روانشناسی، شخصیت یا منش عبارت است از: مجموع نفسانیات (احساسات، افکار، عواطف ...) هر کسی که برای هر شخصیت دورکن است، یکی وحدت و دیگری هویت.

دانشمندان از دیدگاه مکاتب مختلف برای شخصیت تعاریف گوناگون آورده اند. در بین این تعاریف کاملترین توصیفی که از شخصیت شده چنین است: مجموعه و ترکیب خاص و غیر قابل تفکیک کلیه خصوصیات جسمانی، کرداری، تمایلات هوشی، عاطفی و روانی هر فرد که او را به صورت یک واحد در جامعه مشخص می نماید.^۳

۱. شاملو، سعید؛ مکاتب و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ص ۱۵.

۲ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۸۴.

۳. طریقتی، شکرآ، مقدمه ای بر روان شناسی و روان پزشکی کیفری، تهران، دهخدا، ۱۳۵۵، ص ۳۸-۶۰.



مرحوم کی نیا: «شخصیت هر فرد انسانی در برابر محرم واحدی واکنش مخصوص به خود را بروز می دهد که معرف شخصیت خاص اوست که این جنبه خاص او را از دیگران متمایز می کند.»^۴ کین برگ جرم شناس «شخصیت مجموعه ای از گرایش ها و استعدادهای تظاهرکننده فرد است.»^۵

به طور خلاصه می توان گفت که شخصیت در اصطلاح عامه معانی گوناگونی دارد. یکی از آن معانی، هیئت یا جریزه است. از این رو کسی که می تواند نظر و اراده خود را به گروهی از افراد تحمیل کند، آدمی با شخصیت به شمار می رود. معنای مصطلح دیگر شخصیت به طور کلی هر نوع صنعت اخلاقی بر جسته ای است (مانند شجاعت اخلاقی، قوت، اراده، مناعت طبع...) که سبب امتیاز فرد آدمی می گردد تا آنجا که او را به خصوص به آن صنعت می شناسند. واژه شخصیت در اصطلاح، بلندی مقام و مرتبه را هم می رساند، چنانکه گفته می شود: «شخصیت های علمی»، «شخصیت های کشوری»، لشکری، ...^۶

در نتیجه می توان گفت، شخصیت کل کارهایی تعریف می شود که یک فرد بدان وسیله در برابر دیگران از خود واکنش نشان می دهد و یا بدان وسیله روابط متقابل ایجاد می کند. در واقع شخصیت به عنوان الگویی در نظر گرفته می شود که می توان افراد را از طریق واکنشی که نسبت به موقعیت های متفاوت محیطی نشان می دهند، تقسیم بندی نمود.

گفتار دوم: معنا و ماهیت وجودی پرونده شخصیت

پرونده شخصیت، وسیله شناخت «مجرم» است و عوامل ایجادکننده جرم که باعث می شود افراد در سنین مختلف به علل گوناگون در برابر کنش ها، واکنش هایی نشان دهند که منجر به زیان دیدگی فرد یا جامعه شود، در پرونده شخصیتی سعی در بررسی جرم نیست بلکه شناخت کلی مجرم مطرح است، که می تواند قاضی را در اتخاذ یک مجازات متناسب برای اصلاح در درمان مجرم یاری دهد که گاهی مهم در راستای اصل فردی کردن مجازاتها و رعایت انصاف

^۴. کی نیا، مهدی «مبانی جرم شناسی، جامعه شناسی جنایی» انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ص ۵۳۹.

^۵. مظلومان، رضا، «مقاله شخصیت و جرم»، مجله حقوقی وزارت دادگستری شماره ۷، ۱۳۵۵، ص ۴۳.

^۶ - سیاسی، علی اکبر، نظریه های شخصیت، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ص ۷



و عدالت در دادرسی کیفری می باشد که از آن به سیاست عدالت ترمیمی یاد می شود. در تعریف شخصیت باید گفت « شخصیت یعنی عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آنچه همراه با او هست و موجب تمایز او از دیگران می شود».^۷

عوامل موثر در شکل گیری و تکوین شخصیت عبارتند از عوامل ژنتیک و عوامل محیطی. در میان عوامل ژنتیکی، وراثت و غدد درون ریز و در میان عوامل محیطی، محیط جغرافیایی و اجتماعی حائز اهمیت هستند. طبیعی است که ارزشها و هنجارهای حاکم، فرهنگ هر جامعه، جمع دوستان مجامع علمی، ورزشی، مذهبی، اخلاقی، اختلال در غدد درون ریز یا داخلی مثل نقص تیروئید، نحوه ترکیب کروموزومها، نوع محیط جغرافیایی مثل زندگی در محیط کوهستانی یا شهری مناطق سردسیر یا گرمسیر و همچنین محیط اجتماعی مثل خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کار و ... همه بر شخصیت فرد تاثیر گذار می باشند.^۸

عوامل مهمی مثل جنس، حسن سابقه، سوء سابقه، سابقه محکومیت کیفری، وضعیت جسمانی، روانی اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و ... از مؤلفه های لازم برای تشکیل پرونده شخصیت به حساب می آیند. در بعضی از نظامهای حقوقی تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً از سوی مقنن طی مواد قانون آئین دادرسی کیفری ذکر شده است بعنوان مثال در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه اصلاحی ۱۹۹۲ طی بندهای ۷ و ۶ ماده ۸۱ تحقیق و تشکیل پرونده شخصیت در مورد متهم در خصوص جرائم از درجه جنایی اجباری و درمورد جرائم از درجه جنحه ای اختیاری اعلام شده است.^۹

گفتار سوم: بررسی و شناخت اختلالات شخصیتی

DSM^{۱۰} راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی است که برای اولین بار توسط انجمن روان پزشکی آمریکا انتشار یافت و شامل توصیف علائم و دیگر معیارها برای تشخیص

^۷. گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸، ص ۳۰۸

^۸. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، مبحث تورا و اثر آن بر بزهکاری، چاپ دوم ۱۳۷۸، ص ۱۴۵

^۹. ایبراهمن، دیوید، روانشناسی کیفری، ترجمه دکتر پرویز صانعی، چاپ دوم ۱۳۱۷، ص ۲۸۴.

^{۱۰} Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders.



اختلالات روانی است. این معیارها زبان مشترکی را میان بالینگران برای تشخیص ارائه می-دهند.

DSM با تعریف روشن معیارها برای اختلالات روانی به اتخاذ تشخیص‌های دقیق و سازگار برای اختلالات روانی کمک کرده است؛ به طور مثال تشخیص اسکیزوفرنیا از یک بالینگر به بالینگر دیگر ثابت است، و برای هر دو متخصص چه در آمریکا اقامت داشته باشند و چه در دیگر مناطق بین‌المللی اسکیزوفرنیا معنی یکسانی می‌دهد.

DSM شامل یک علامت تجاری ثبت می‌باشد که متعلق به انجمن روان‌پزشکان آمریکا **APA** می‌باشد. در ایالات متحده آمریکا نیاز به جمع‌آوری اطلاعات انگیزه اولیه برای طبقه‌بندی اختلالات روانی به شمار می‌رفت. اولین اقدام برای جمع‌آوری اطلاعات درباره بیماری‌های روانی در آمریکا، ثبت فراوانی یک طبقه از بیماری‌های روانی تحت عنوان (کانا/ دیوانگی) در سرشماری سال ۱۸۴۰ بود. در سال ۱۸۸۰ بین هفت طبقه بیماری روانی تمایز قایل شدند که شامل (شیدایی، مالیخولیا، مونومانی) مشغولیت فکری بیمارگون، فلج ناقص، زوال عقل، می‌بارگی و صرع) می‌باشد. در سال ۱۹۱۷ کمیته آماری انجمن روان‌پزشکی آمریکا (انجمن پزشکی- روان‌شناسی آمریکا) همراه با کمیسیون حل‌بهداشت روانی طرحی تصویب کرد که جهت سرشماری برای بیمارستان‌های روانی مورد استفاده قرار گرفت. گرچه این سیستم در مقایسه با سیستم‌های قبلی بیشتر یک سیستم بالینی بود ولی در درجه نخست هنوز یک طبقه بندی آماری محسوب می‌شد که بعداً چندین بار اصلاح شد. در جنگ جهانی دوم با توجه به حجم بالای مبتلایان به آسیب‌های روانی، روان‌پزشکان آمریکا با سیل مراجعان مواجه شدند و ضرورت ارزیابی، اقدام و معالجه سربازان آسیب‌دیده مشهود شد. در واقع مرکز این حرکت به دور از مؤسسات فکری و کلینیک‌های سنتی بود. ارتش آمریکا با تشکیل یک کمیته به وسیله روان‌پزشکان و سرتیپ ویلیام سی منیجر به طبقه‌بندی و ایجاد یک برنامه که **medical 203** نامیده می‌شد، اقدام کرد که در سال ۱۹۴۳ مثل یک اطلاعیه فنی وزارت جنگ اعلام شد و توسط همه نیروهای مسلح پذیرفته شد. این طبقه‌بندی بسیار تحت تأثیر



۷۷. قربانیان، حسین و مجید هراتیان نژادی، (۱۳۸۷) نقش نهادها و سازمان های دولتی و غیردولتی در پیشگیری از وقوع جرم، **ماهنامه کانون**، شماره ۱۱۶.
۷۸. کاری یو، روبرو، (۱۳۸۱) مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، علی حسین نجفی ابرندآبادی، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۶-۳۵.
۷۹. محسنی تبریزی، علی رضا، صفری شالی، رضا، (۱۳۸۵)، بررسی بزهکاری و تخریب اموال توسط نوجوانان، **نشریه جامعه شناسی**، شماره ۷.
۸۰. متولی زاده نایینی، نفیسه، (۱۳۸۶)، پیشگیری رشد مدار (زودرس)، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، سال دوم، شماره دوم.
۸۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹.
۸۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸) پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۶-۲۵.
۸۳. نوربها، رضا، (۱۳۷۸) سیاست جنایی سرگردان، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۶-۲۵.